

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: راب گولند
برگردان از: آمادور نویدی
۱۰ اپریل ۲۰۱۷

تفرقه بینداز و حکومت کن



Rob Gowland

زمانی که قدرتهای بزرگ سرمایه تصمیم گرفتند که آنها کنترول صدام حسین ، «مرد قدرتمد/قوی» آنها در عراق نفت خیز را از دست داده اند، آنها به سیاستی متوسل شدند که در جاهای دیگر کامل کرده بودند: سیاست بی ارزش سازی/اهربیم سازی.

ناگهان، به تمام جهان چیزی گفته شد که مردم عراق همواره می دانستند: که صدام حسین در واقع یک دیکتاتور وحشی و بیرحم است. این واقعیت مزاحم ناراحتی قدرتهای امپریالیستی نشده بود زمانی که آنها صدام را به قدرت نشانند. اما معلوم شد که او یک ملی گرا نیز است، که مخالف غارت درآمدهای نفتی کشور توسط غرب است.

آخرین ضربه زمانی بود که صدام با ارزشهایی به غیر از «پترودالر/دالر نفتی» امریکائی، شروع به تحقیق در ایجاد بازار مستقل نفت کرد. او باید برداشته می شد و ناگهان عراق دارای «سلاحهای کشتار جمعی» شد که مستلزم تهاجم غرب است.

عراق فتح شد، صدام اعدام شد، و نفت عراق برای شرکتهای بزرگ نفت غربی تأمین و حفظ شد. اما این برای امپریالیسم کافی نبود: به عراق نباید اجازه داده شود که هرگز دوباره سلطه شرکتها و کورپوراتهای بزرگ غربی را تهدید کند. کشوری که زمانی اقتصاد و زیرساخت ثروتمندی داشت به طور سیستماتیک نابود شد و اختلافات مذهبی و قومی پرورش داده شد.

این ایده طرز تفکر جدیدی برای ستراتیژیستهای امپریالیسم نبود. بریتانیایی‌ها از آن جهت طولانی (تر) کردن کنترل خود در هند برای چندین سال و با نفاق و انشعاب متصرفات بریتانیایی گوناگون در آفریقا قبل از «استقلال» آنها به کشورهای کوچک استفاده کرده بود.

با اینحال، آمریکا کشوریست که تجزیه (کشورهای دیگر) را به سطح سیاست ستراتیژیک بالا برده است. این سیاست در (صحنه) نمایش کامل در طول تخریب یوگسلاوی دیده شده بود. یوگسلاوی، به عنوان یک عنصر مرکزی/محوری از جنبش عدم تعهد، به مدت طولانی خار چشم آمریکا و ناتو بوده است. با بازی بر تفاوت مذهبی و قومی که همواره وجود داشته است، اما قبلاً قابل توجه در نظر گرفته نشده بود؛ و با دست نشانده کردن سیاستمداران محلی که فکر می‌کردند با کارت ملی گزائی بازی می‌کنند بهترین شرط بندی خپدشان را برای به دست آوردن. قبضه کردن قدرت، اگر تنها/حتی در بخشی از کشور باشد، آمریکا قطعه قطعه کردن کشور را تنظیم نمود. آلمان با تشویق احیای استاشی در کرواسی که از رژیم دست نشانده طرفداران نازی در جنگ جهانی دوم حمایت کرده بود، کمک ارائه داد.

رئیس جمهور صربستان، اسلوبودان میلوسویچ، کشورش را به صورتی استوار و پایدار در مخالفت با طرح ناتو رهبری نمود، در نتیجه آنها او را شرور و اهریمن خواندند، سپس او را ربوده، و به عنوان یک «جنایتکار جنگی» راهی لاهه کردند. محبوس در یک سلول کوچک از آزار و اذیت و غفلت پزشکی درگذشت. یوگسلاوی، از یک ستون کشورهای متعهد، تبدیل به مجموعه ای از کشورهای کوچک شد که به صورت جداگانه ضعیف بودند، اما با اینحال به درگیری و کشتار متقابل با یک دیگر تشویق شدند.

روشی بسیار مشابه با توجه به کشورهای دیگری که سیاست خارجی مستقلی از قدرتهای سرمایه داری غربی دنبال کرده بودند، در پیش گرفته شد: لیبیا. درآمدهای نفتی آن به جمعیتش داده شده بود که بالاترین استاندارد زندگی در آفریقا بود. لیبیا به کشورهایی که برای استقلال یا غلبه بر میراث استعمار مبارزه می‌کردند، کمک ارائه داد و به طور کلی در سراسر آفریقا و جهان سوم مورد احترام بود.

معمر قذافی، رهبر طولانی مدت لیبیا به طور متناوب مورد استقبال قرار گرفت و شرور و اهریمن شد. در آغاز سال ۲۰۱۱، یک شورش مهندسی شده غربی در بنغازی صورت گرفت. این شورش همه نشانه های مشابه «انقلابهای رنگی» مورد حمایت غرب را داشت که دولتهای مترقی متعددی را از مولداوی تا اوکراین سرنگون ساخته بود. شورش در ماه فبروری شروع شد. در ماه مارچ، در حالی که نیروهای دولتی لیبیا آماده شکست دادن آن می‌شدند، شورای امنیت ملل متحد متقاعد به تحمیل «منطقه پرواز ممنوع» بر کشور شد. با اینحال، به جای جلوگیری از دخالت خارجی همانگونه که پیشبینی شد، تصمیم توسط ناتو «تحمیل» شد بود، که به طور اغراق آمیزی درباره آزادی و دموکراسی صحبت می‌کرد، اما در واقع به طور سیستماتیک بمباران و تخریب زیرساخت کشور لیبیا را تنظیم کرد.

نیروهای هوایی فرانسه، بریتانیا، آمریکا، کانادا، سویدن و ایتالیا با حمایت حملات هوایی توسط کشورهای خلیج فارس علیه ارتش لیبیا راه اندازی شد. عملیات بمباران ناتو تا ماه اکتوبر ادامه یافت، و تنها با دستگیری، خشونت آمیز، وحشیانه و قتل قذافی پایان یافت.

لیبیا در هرج و مرج قرار گرفت، با دهها هزار کشته و میلیونها نفر - یک سوم جمعیت کشور، در واقع - مجبور به دنبال پناهگاهی در دیگر کشورها شدند. دهها هزار نفر هنوز افسرده با چشمان پر اشتیاق در زندانهای دولت نصب شده ناتو هستند، در حالی که جنگ سالاران مختلف و جناحهای گرسنه قدرت از جمله داعش/دولت اسلامی عراق و شام و دیگر گروههای تروریستی - جنگ داخلی را جهت کنترل بخشهایی از صنعت نفت کشور به راه انداخته اند. در همان

زمان، آثار باستانی به تاراج رفته اند و منابع اورانیم کشور لیبیا توسط دزدها و افراد غیر قابل اعتماد و بی پروا تصاحب شده است.

مقاله ای در اسپوتنیک اشاره کرد: «در آغاز سال ۲۰۱۱، زمانیکه «شورش» شروع شد، کشور لیبیا تقریباً ۶۰۰ میلیارد دلار ارزش دارائی، از جمله، ۲۰۰ میلیارد دلار در حسابهای بانکی خارج، همراه با چندین تَن طلا و نقره در داخل و خارج از کشور داشت. پس از گذشت شش سال، همهٔ اینها غارت شده اند».

و پسر عموی معمر قذافی، قذاف ال- دام اضافه می کند: «در طول این شش سال، حتی یک آجر بنا نشده است. خیابانهای پایتخت برق ندارند، تأمین آب قطع شده است، دستمزدها پرداخت نشده اند، مدارس کار نمی کنند...»

«اگر مشکل [در لیبی و عراق] وابسته به نیاز/ضرورت برای قذافی و صدام حسین در رها کردن قدرت بود، همانگونه که بعضی ها ادعا می کنند، پس چرا تمام تخریب فاقد احساس و کشتار هنوز ادامه دارد؟»

برای این که امریکا هیچ نفعی در اندازه معمولی کشورهای قابل دوام به عنوان نهادهای مستقل سیاسی و فرهنگی ندارد. منافعتش در خود کشورها نیست، بلکه در منابع آنهاست. و چنانچه این کشورها به «دولتهای کوچک» آشکار تجزیه شوند، منابع آنها آسانتر غارت می شوند.

لیبیا برای تجزیه‌گوناگون آن آماده است. امریکا این ایده تجزیه را برای هردو عراق و سوریه در نظر گرفته. شناور کرده است. ترکیه که به تجزیه سوریه کمک می کند، توقع دارد که شمال شرقی کشور زیر کنترلش خواهد افتاد. امریکا البته از تجزیه حمایت می‌کند، برای این که یک سوریه قطعه قطعه شده قادر نیست در مقابل طرحهای اسرائیل و امریکا در خاورمیانه یا در بخش پیشنهاد شده خط لوله نفت ایران - سوریه اروپا مقاومت کند، و برای روسیه به عنوان یک متحد در شرق مدیترانه بیفایده خواهد بود.

«تفرقه بینداز و حکومت کن» کتاب راهنمای امپریالیسم از قرن ۱۷ به بعد بوده است. هنوز هم است - اما اعمال آن تنها کمی سخت ترست .

برگردانده شده از:

گاردین - ارگان حزب کمونیست استرالیا

The Guardian

The Worker's Weekly

Issue #1772 • April 5, 2017

Culture & Life

Divide and rule

Rob Gowland